

پیشرفت علوم طبیعی و نقش آن در سبک زندگی قرآنی*

ابراهیم رضایی آدریانی**

چکیده

پیشرفت علوم تجربی و رشد تکنولوژی و امکاناتی که برای بشر مهیا می‌کند موجب آسایش بیشتر و سهولت در رسیدن به خواسته‌های اوست. این پیشرفت‌ها در دوران معاصر شتاب مضاعفی به خود گرفته، هم‌چنان به حرکت پرشتاب خود ادامه می‌دهد. از سوی دیگر، قرآن کریم مجموعه‌ای از بایسته‌های دینی را برای شیوه زندگی کردن یک مسلمان (در هر عصری و تا قیامت) ترسیم کرده و در هر زمان و مکان برای زندگی بشر برنامه دارد که از آن به «سبک زندگی قرآنی» تعبیر می‌شود. تلاقی این دو پدیده ممکن است فرصت‌ها و تهدیدهایی ایجاد کند که لازم است با بصیرت و بینش عمیق دانشمندان و فرهیختگان مدیریت شود. هدف از این پژوهش، بررسی تأثیر «پیشرفت علوم» بر سبک زندگی قرآنی است. از این رو پس از کلیات، دو روی سکه «پیشرفت علوم» به طور جداگانه مورد توجه قرار گرفته و ذیل دو عنوان «فرصت‌ها» و «تهدیدها» ارائه شده‌اند. در بخش فرصت‌ها به عناوینی هم‌چون «صله رحم»، «مدیریت زمان»، «تبلیغ مجازی»، «مانور سایبری»، «مهارت‌های ضروری فرزندان در عصر کنونی»، «کمک رسانی مجازی»، و در بخش تهدیدها به مباحثی مانند: «شایعه پراکنی در فضای مجازی»، «اتلاف وقت و هزینه»، «مصادیق نوین اسراف و تجمل»، و «کنترل جمعیت» اشاره شده است. نتیجه این پژوهش آن است که پیشرفت علوم تجربی همان‌گونه که می‌تواند در ارتقای فرهنگ دینی مؤثر باشد، ممکن است نقش منفی نیز ایفا نماید و سرنوشت این نقش آفرینی به چگونگی مواجهه جامعه با این پدیده بستگی دارد.

واژگان کلیدی: قرآن، علم، پیشرفت، علوم طبیعی، سبک زندگی، آداب اسلامی.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۱۱ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۴/۳.

** عضو هیئت علمی جامعة المصطفی العالمیة (اصفهان): erezaei@ymail.com

مقدمه

با توجه به جاودانگی قرآن و پاسخ‌گو بودن معارف اسلامی در همه زمینه‌ها، لازم است در موضوع مهمی هم‌چون سبک زندگی که ابعاد گسترده‌ای دارد، دیدگاه اسلام به نحو روشن و گویا عرضه شود.

در این راستا از توجه به مقتضیات زمان و تأثیر متقابل آن بر سبک زندگی نمی‌توان غافل شد. بدون شک پیشرفت علوم تجربی و کشفیات روزآمد بشر دستاوردهای جدیدی برای سبک زندگی او نیز به ارمغان می‌آورد و تأثیر آن بر فرهنگ و روش زندگی غیرقابل انکار است. در این میان رسالت دانشوران و پژوهش‌گران عرصه دین آن است که با نیم‌نگاهی به امکانات و ابزارهای جدید و دستاوردهای «پیشرفت علوم»، در طراحی و معرفی سبک زندگی قرآنی بر پایه متون اصیل دینی بکوشند و موضع دین را در برابر تک‌تک یافته‌های علمی جدید، به صورت شفاف بیان نمایند.

در این نوشتار تلاش بر آن است که پس از اشاره‌ای مختصر به مفاهیم به کار رفته در عنوان، برخی مؤلفه‌های مهم سبک زندگی بر مصادیق امروزی آن تطبیق شود تا به این پرسش مهم پاسخ دهد که چگونه سبک زندگی مطلوب صدر اسلام (که در آیات و روایات توصیف شده)، در زندگی امروزی (و بلکه در هر زمان) قابل اجرا است و می‌توان هم‌نشین با «پیشرفت علوم» و زندگی ماشینی امروز، فرهنگ قرآنی را نیز رعایت کرد.

مفهوم‌شناسی

یک. پیشرفت

پیشرفت، واژه‌ای است فارسی و مرکب از دو واژه «پیش» و «رفت» و به معنای جلو رفتن، رشد، ترقی، توسعه، و حرکت به سمت جلو به کار می‌رود (معین، فرهنگ معین، ۱۳۸۶: ۲/۴۳۲). پیشرفت اصطلاحاً عبارت است از «فرآیند حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب» (ر.ک: میرمعزی، مفهوم‌الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱).

دو. علوم طبیعی

علم در لغت به معنای دانش و دانستن است و معانی اصطلاحی متعددی برای آن بیان شده است (ر.ک: مصباح یزدی، آموزش فلسفه، ۱۳۹۱: ۱/ ۶۱؛ رضایی اصفهانی، در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، بی تا: ۱۵۱). در روایات نیز از علم به معنای «نوری که توسط خدا در قلب می تابد» تعبیر شده (ر.ک: مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴: ۱/ ۲۱۹) که از مورد بحث ما خارج است. در اینجا سخن از علم ظاهری و مادی است که از آن به «علم تجربی» تعبیر می شود و (در کنار عقل، نقل، و شهود) یکی از ابزارهای چهارگانه ادراک بشر به حساب می آید و در یک تقسیم بندی رایج، آن را به دو دسته «طبیعی» و «انسانی» تقسیم می کنند. علوم طبیعی دانش هایی هستند که موضوع آنها پدیده های طبیعت و عالم خارج، و ویژگی های آنهاست؛ مانند شیمی، فیزیک، پزشکی، کیهان شناسی و ... (ر.ک: رضایی اصفهانی، در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، بی تا: ۱۵۳).

سه. سبک زندگی

سبک در لغت به معنای قالب است و هنگامی که طلا یا فلزات دیگر در کوره گداخته و مذاب می گردد و در قالب ریخته می شود به آن سبک، و به قالب آن سبیکه گفته می شود (العین و لسان العرب، ماده سبک). بنابراین می توان قالب و شکل ظاهری هر چیز را سبک آن دانست. واژه شناسان پارسی زبان نیز سبک را چنین معنا کرده اند: «روش خاص ادراک و بیان افکار و وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر» (دهخدا، لغت نامه دهخدا، ۱۳۷۲: مدخل سبک).

«سبک» غالباً مضاف واقع می شود و منظور از آن قالب و هیأت ظاهری مضاف الیه آن است. لذا سبک زندگی در لغت به معنای قالب و شیوه زندگی کردن خواهد بود.

معادل رایج واژه «سبک» در زبان عربی تعبیر «اسلوب» (آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی فارسی، ماده سلب) و در زبان انگلیسی «style» است.

عبارت «سبک زندگی» در شکل نوین آن (life style) اولین بار توسط «آلفرد آدلر» در ۵۳ روان شناسی در سال ۱۹۲۹ میلادی ابداع شد (مجیدی، فرهنگ آکسفورد، ۱۳۸۷: ۲۰۸)، و در تعریف اصطلاحی آن اظهار نظرهای فراوانی مشاهده می شود که برخی از مهم ترین آنها را مرور می کنیم:

- سبک زندگی هدف فرد، احساس‌های فرد نسبت به دیگران، و نگرش فرد نسبت به دنیا را شامل می‌شود (نظریه‌های شخصیت، ۹۷).

- سبک زندگی نشان دهنده شیوه زندگی متمایز جامعه یا گروه اجتماعی و نشان‌دهنده شیوه‌ای است که مصرف‌کننده در آن خرید می‌کند و به شیوه‌ای که کالای خریداری شده مصرف می‌شود، بازتاب دهنده سبک زندگی مصرف‌کننده در جامعه است (خوشنویس، رسانه و سبک زندگی، ۱۳۸۹: ۱۰).

- سبک زندگی، فعل و انفعال فرد را در محیط زندگی او نشان می‌دهد (ر.ک. مقاله: «بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی در تبلیغات تجاری تلوزیون»، ص ۵۴).

- سبک زندگی واژه فراگیری است که از سلیقه فرد در زمینه آرایش مو و لباس تا سرگرمی و تفریح و ادبیات و موضوعات مربوط دیگر را شامل می‌شود. کلمه «سبک»، «مد» را تداعی می‌کند؛ پس سبک زندگی در واقع مد یا حالت زندگی یک فرد است (همان).

- الگویی از مصرف که دربردارنده ترجیحات، ذائقه و ارزش‌هاست (خادمیان، سبک زندگی و فرهنگ مصرفی، ۱۳۹۰: ۲۳ و ۲۴).

- تلاش برای شناخت مجموعه منظمی از رفتارها یا الگویی از کنش‌ها که افراد آنها را انتخاب کرده و کنش‌های آنها در زندگی روزمره به واسطه آنها هدایت می‌شود (خوشنویس، رسانه و سبک زندگی، ۱۳۸۹: ۱۱).

- «طیف رفتاری‌ای که اصلی انسجام بخش بر آن حاکم است و عرصه‌ای از زندگی را تحت پوشش دارد و در میان گروهی از افراد جامعه قابل مشاهده می‌باشد و الزاماً برای همگان قابل تشخیص نیست؛ اگر چه محقق اجتماعی میان آن و بقیه طیف رفتارهای افراد جامعه، تمایز قائل می‌شود» (مصرف و سبک زندگی، ۸۳).

- الگوی هم‌گرا (کلیت تامی) یا مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع‌های اجتماعی و دارایی‌ها که فرد یا گروه بر مبنای پاره‌ای از تمایلات و ترجیحات (سلیقه) اش و در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع یا انتخاب می‌کند» (مهدوی‌کنی، دین و سبک زندگی، ۱۳۹۳: ۷۸).

- و «سازمان بهداشت جهانی» سبک زندگی را این گونه تعریف می‌کند: «اصطلاح سبک زندگی به روش زندگی مردم و بازتابی کامل از ارزش‌های اجتماعی، طرز برخورد و فعالیت‌ها اشاره دارد. هم‌چنین ترکیبی از الگوهای رفتاری و عادات فردی در سراسر زندگی (فعالیت بدنی، تغذیه، اعتیاد به الکل و دخانیات و...) است که در پی فرایند جامعه‌پذیری به وجود آمده است» (www.pichak.net).

چنان که مشاهده می‌شود برخی صاحب‌نظران، سبک زندگی را به موضوعاتی هم‌چون نوع مصرف و خرید کالا محدود کرده‌اند و دسته دوم معنای عام‌تری برگزیده‌اند که تمامی جوانب زندگی فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. البته معنای دوم رایج‌تر و پرکاربردتر است (ر.ک: خادمیان، سبک زندگی و فرهنگ مصرفی، ۱۳۹۰: ۱۵ به بعد).

با وجود اختلاف نظر فراوان در تعریف اصطلاحی سبک زندگی، در یک جمع‌بندی می‌توان تعریف زیر را برای سبک زندگی برگزید:

«شیوه‌هایی از زندگی است که انسان با تکیه بر نظام ارزشی و مبانی اعتقادی خود در زندگی فردی و اجتماعی برای ایجاد ارتباط با محیط و جامعه، پاسخ به خواسته‌ها و تأمین نیازهایش به‌کار می‌گیرد» (ر.ک: کاویانی، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، ۱۳۹۱: ۱۶).

مقام معظم رهبری که سردمدار احیاء سبک زندگی اسلامی در سال‌های اخیر به‌شمار می‌آیند نیز سبک زندگی را در یک کلام «رفتار اجتماعی و شیوه زیستن» تعریف نموده‌اند (جعفرزاده، منشور فرهنگ، ۱۳۹۳: ۱۰۹). ایشان در ادامه برای سبک زندگی نمونه‌هایی برمی‌شمارند که منظور ایشان را از این تعریف واضح‌تر می‌نماید. این نمونه‌ها عبارتند از: ازدواج، مسکن، الگوی مصرف، خوراک، نوع آشپزی و تفریح، خط و زبان، کسب و کار، رفتار در محل کار و دانشگاه و مدرسه، فعالیت‌های سیاسی، ورزش، رسانه، رفتار با پدر و مادر و همسر و فرزند، رفتار با پلیس و مأموران دولتی، رفتار با دوست و دشمن، مسافرت‌ها، طهارت و نظافت، و در یک کلام آنچه با «عقل معاش» مدیریت می‌شود (همان، ۱۱۰).

از تعاریف و نمونه‌های فوق‌الذکر روشن می‌شود که قلمرو سبک زندگی فراتر از «آداب معاشرت» است و موضوعات مختلف فقهی و سیاسی نیز در آن وارد می‌شود. در این پژوهش نیز منظور از سبک زندگی همین معنای عام است.

پیشینه

«سبک زندگی» (به معنای کلی خود) مقوله‌ای است که پیشینه‌ای بسیار دور و دراز دارد و نه تنها از صدر اسلام تا کنون، که در امت‌های پیشین نیز مورد توجه بوده و تاریخچه پرداختن به آن را می‌توان از آغازین روز پا گذاشتن بشر بر این کره خاکی جست و جو کرد.

آیات متعددی از قرآن کریم و طیف وسیعی از روایات به این موضوع اختصاص دارد (که در ادامه به بخشی از آنها اشاره خواهد شد) و دانشمندان مسلمان نیز کتاب‌های متعددی در این زمینه نگاشته‌اند که، از معروف‌ترین آنها می‌توان به: آداب معاشرت شیخ حر عاملی، حلیه المتقین علامه مجلسی، سنن النبی علامه طباطبایی و در دوران معاصر به مفاتیح الحیاه آیه الله جوادی آملی اشاره کرد.

اما سبک زندگی به معنای مصطلح امروزی در قرن اخیر به کار رفته است و اولین بار توسط «آلفرد آدلر» در روان‌شناسی به سال ۱۹۲۹ میلادی ابداع شد. هرچند آدلر آن را ابداع کرد، ولی پیروان کلاسیک او و دیگران به تفصیل آن پرداخته‌اند (ر.ک: همان).

نظر به این که مسأله سبک زندگی از مسائل بنیادین و تأثیرگذار در فرهنگ هر جامعه است، در بسیاری از جوامع مورد توجه دانشمندان واقع شده و در طول سال‌های اخیر همایش‌ها، سخنرانی‌ها، مقالات، و حتی کتاب‌های متعددی پیرامون سبک زندگی ارائه شده است.

از میان کتاب‌های فارسی می‌توان به کتاب «سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن» از دکتر محمد کاویانی و دین و سبک زندگی نوشته محمدسعید مهدوی کنی اشاره کرد. از نشریاتی که در سال‌های اخیر منتشر شده و موضوع سبک زندگی اسلامی و قرآنی را دنبال می‌کند نیز به سه مورد اشاره می‌شود:

فصلنامه سبک زندگی دینی، سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشکده باقرالعلوم (ع)؛

فصلنامه مطالعات سبک زندگی، سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران؛

دوفصلنامه پژوهشنامه سبک زندگی، موسسه فرهنگی هنری سبک زندگی آل یاسین.

البته در این آثار به تأثیر متقابل «پیشرفت علوم» و فرهنگ اسلامی و مصادیق امروزی سبک

زندگی توجه چندانی نشده و هدف اصلی گردآوری داده‌های مرتبط با این عنوان بوده است.

لزوم استخراج سبک زندگی عصری از متون دینی

با توجه به نیازهای جدید و متغیر بشر در هر عصر، و مقتضیات زمان که در هر دوران شکل تازه‌ای به خود می‌گیرند، مسائل مستحدثه و پرسش‌های جدیدی در هر زمان، برای پیروان آیین بر حق اسلام پیش می‌آید که لازم است، از سوی فقها و دانشمندان پاسخ مستند متون دینی برای آنها ارائه شود. خصوصاً در عرصه سبک زندگی که مستقیماً تحت تأثیر تکنولوژی و پیشرفت‌های علمی است.

این عملیات مهم و سرنوشت ساز مبتنی بر پیش فرض اساسی ذیل است:

«در متون دینی ما قواعدی کلی و فراگیر بیان شده که با روش اجتهاد روشمند می‌توان آنها را بر زندگی امروزی تطبیق داد و مصادیق جدید آن را کشف کرد».

اصولاً قرآن کریم مشتمل بر گزاره‌هایی «عام» و «مطلق» است که فروع و جزئیات فراوانی از آنها استخراج می‌شود. نظر به این که مخاطب قرآن محدودیت زمان و مکان ندارد و در برخی موضوعات نمی‌توان برای همه مکان‌ها نسخه واحد پیچید، آموزه‌های قرآنی در قالب عباراتی بنیادین و راهبردی بیان شده است (کریمی، ضوابط استنباط احکام از آیات قرآن در آموزه‌های معصومین علیهم‌السلام، ۱۳۹۲: ۱۵۲). از این رو آیات قرآن منحصر به سبب نزول نیست و همگی آنها قابلیت تطبیق بر سایر مصادیق را دارند (معرفت، التمهید، ۱۴۱۵: ۱/۲۶۱).

البته تفریع و تطبیق جزئیات و مسائل مستحدثه بر کلیات قرآن کریم کار هر کسی نیست و ابتدا توسط پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام و در مرحله دوم تنها توسط دانشمندان جامع الشرایط و آن هم به صورت ضابطه‌مند و روشمند صورت می‌گیرد.

کلی بودن گزاره‌های قرآنی و نیاز آنها به تفریع و تبیین در خود قرآن کریم مطرح شده است (نحل/ ۴۴). اما در روایات تأکید بیشتری بر این مسأله مشاهده می‌شود. امامان معصومین علیهم‌السلام همواره تلاش می‌کردند به شاگردان قابل و اندیشمند خود بیاموزند که از قواعد کلی قرآن در استنباط جزئیات بهره ببرند (ر.ک. کلینی، کافی، بی‌تا: ۳/۳۳).

۵۷

بر اساس نتیجه گیری فوق و با بهره گیری از روش الغاء خصوصیت (ر.ک: معرفت، التفسیر الاثری الجامع، ۱۴۱۵: ۱/۳۳)، به عنوان نمونه برخی از گزاره‌های دینی را بر مصادیق امروزی آنها تطبیق داده‌ایم که در جدول ذیل قابل مشاهده است:

جدول تطبیق آموزه‌های دینی با مصادیق امروزی در حوزه سبک زندگی

ردیف	آیه شریفه	قاعده کلی	مصادیق جدید و امروزی
۱	«الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ»	رعایت تقوا در خلوت	خلوت در فضاهای مجازی
۲	«مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا»	کشتن انسان بی گناه حرام است	استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی حرام است
۳	«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ»	لزوم تجهیز همه جانبه امت اسلام در برابر دشمنان	لزوم مانور سایبری در برابر دشمنان اسلام و به رخ کشیدن قدرت علمی امت اسلام
۴	«فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ»	لزوم اشتغال به کار جدید بلافاصله پس از فراغت از کار قبلی و پرهیز از اتلاف وقت	لزوم بهره‌گیری از ابزارهای دیجیتال و ... جهت مدیریت زمان
۵	«إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتَ اللَّهِ يَكْفُرُ بِهَا وَيَسْتَهْزِئُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ؛ وَ كُنَّا نَحْوِضُ مَعَ الْخَائِضِينَ»	ممنوعیت هر نوع هم‌داستانی با کفار و مسخره کنندگان مقدسات اسلامی	ممنوعیت تماشای برخی شبکه‌های ماهواره‌ای ورود به برخی سایت‌ها و گروه‌های منحرف
۶	«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»	وجوب امر به معروف و نهی از منکر در تمامی ابعاد	وجوب امر به معروف و نهی از منکر پیامکی، نظردهی منفی در اینترنت، فیس بوک و ...
۷	«إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»	ممنوعیت شایعه پراکنی و آبروریزی	ممنوعیت به اشتراک گذاری اخبار ناصحیح یا اطلاعات محرمانه دیگران در فضاهای مجازی
۸	«وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يَوْصَلَ»	وجوب صله رحم	وجوب دلجویی از طریق روابط الکترونیکی مثل تماس، پیامک، ایمیل، فاکس، چت و سایر شبکه‌های اجتماعی

ردیف	آیه شریفه	قاعده کلی	مصادیق جدید و امروزی
۹	«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»	مراقبت از معنویت اعضای خانواده	پرهیز از رهاسازی فرزندان در فضاهای مجازی و لزوم کنترل نامحسوس آنان
۱۰	«فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ»	هر گونه تحریک نامحرم بر همه زنان مؤمن حرام است.	پرهیز از لوازم آرایشی مدرن و جراحی‌های زیبایی غیر ضروری
۱۱	«فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ»	توجه به مرجع دریافت علم و فرهنگ «عِلْمُهُ الَّذِي يَأْخُذُهُ عَمَّنْ يَأْخُذُهُ»	لزوم فیلترینگ فضاهای مجازی
۱۲	«إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا»	عدم اعتماد به اخبار فاسقان	عدم اعتماد اخبار رسانه‌های معاند، تماس‌ها و پیامک‌های ناشناس
۱۳	«وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمَّا لَقِيَنَّكُمْ تَرِزُّهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا»	حرمت فرزندکشی	حرمت سقط جنین، برخی روش‌های جلوگیری
۱۴	«وَلَا تُطْعِ كُلَّ حَلَّافٍ مَهِينٍ هَمَّازٍ مَشَّاءٍ بِنَمِيمٍ»	ممنوعیت پیروی از عیبجویان و سخن چینیان	احتیاط در خبرگزاری‌ها، مطبوعات، سایت‌های خبری، احزاب سیاسی
۱۵	«وَأَوْفُوا بِالْعُقُودِ»	و جوب وفای به عهد	رعایت بیمه/لینزینگ/ معاملات اینترنتی و ...
۱۶	«وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ»	لزوم پرهیز از لغو	پرهیز از افراط در استفاده از بازی‌های رایانه‌ای
۱۷	آیات نهی از اسراف و ضرر	ممنوعیت اسراف و ضرر	ممنوعیت مواد مخدر صنعتی، وسایل آتش بازی جدید و پرهزینه، رانندگی خطرناک

چنان که مشاهده می‌شود نمونه‌های فراوانی از آیات و روایات مربوط به سبک زندگی را می‌توان بر مصادیق جدید دوران ما تطبیق داد.

هم اکنون جهت روشن تر شدن نقش پیشرفت‌های علمی بر سبک زندگی، تعدادی از موارد ذکر شده در جدول فوق را با کمک آیات و روایات مربوطه بررسی می‌نماییم.

«پیشرفت علوم» و امکانات جدید زندگی، سکه‌ای است که دو رو دارد و چنان که می‌تواند در بسیاری از موارد مشکلات را حل، و کارها را آسان کند، در پاره‌ای از موارد نیز مشکل‌ساز است و باید مراقب آثار مخرب استفاده ناصحیح از آن بود.

از این رو به نظر می‌رسد تأثیر گذاری این پدیده بر سبک و فرهنگ قرآنی را می‌توان به دو دسته مثبت و منفی تقسیم کرد. به عبارت دیگر در پاره‌ای از موارد «پیشرفت علوم» برای سبک زندگی قرآنی «فرصت» ایجاد می‌کند و در پاره‌ای از موارد «تهدید» برای آن به شمار می‌رود که پیش از آسیب دیدن جامعه، لازم است برای مدیریت آن اقداماتی انجام گیرد.

از این رو بحث را در دو ساحت جداگانه دنبال می‌کنیم:

الف) «پیشرفت علوم» و «فرصت»‌های آن برای سبک زندگی قرآنی

چنان که گذشت «پیشرفت علوم» می‌تواند در جهت خدمت به دین و ترویج سبک و فرهنگ قرآنی قرار گیرد و از کارایی فوق العاده آن در مسیر مثبت استفاده شود.

جهت عینیت بخشی به بحث و پرهیز از کلی گویی، به ذکر نمونه‌هایی از فرصت‌های ایجاد شده توسط «پیشرفت علوم» در عرصه سبک زندگی قرآنی می‌پردازیم:

۱. صله رحم و بهره‌گیری از شیوه‌های نوین

قرآن کریم یکی از ویژگی‌های «اولوالالباب» را چنین بر می‌شمارد:

﴿وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يَوْصَلَ﴾ (رعد/ ۲۱)؛ «و کسانی که آنچه را خدا فرمان به پیوستنش داده، می‌پیوندند».

بر اساس روایات متعدد، منظور از آنچه خدا در این آیه شریفه به پیوند آن دستور داده، صله رحم و برقراری ارتباط مستمر با خویشاوندان است (ر.ک: طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۶/ ۴۴۳). هم‌چنین در چند آیه دیگر (ر.ک: بقره/ ۲۷؛ رعد/ ۲۵) و ده‌ها روایت نورانی (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۱۴: ۸۷/ ۷۱) بر اهمیت «صله رحم» به عنوان یکی از شاخصه‌های سبک زندگی قرآنی تأکید شده، و ترک آن سرزنش شده است.

کیفیت تحقق صله رحم در هر زمانی می‌تواند تغییر کند و پیشرفت علوم در این عرصه نیز راهکارهای مناسبی پیش پای بشر گذاشته است.

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) سبک زندگی انسان مومن در برقراری رابطه با سایر مومنان این گونه ترسیم شده است:

«التَّوَّاصِلُ بَيْنَ الْإِخْوَانِ فِي الْحَضَرِ التَّزَاوُرُ وَ فِي السَّفَرِ التَّكَاثُّبُ» (کلینی، کافی، بی‌تا: ۶۷۰ / ۲)؛ «پیوست میان برادران دینی در وطن دیدار از هم‌دیگر است و در هنگام سفر نامه‌نگاری با هم».

در این زمان که با پیشرفت تکنولوژی و گسترش ابزار ارتباطی، نامه‌نگاری کاربرد محدود و اندکی پیدا کرده است. اما ابزارهای جدیدی جایگزین آن شده و از طرق مختلف می‌توان در مسافرت جویای حال دیگران شد.

در آیات مذکور و روایت فوق، بر یک مناسبات کلی تأکید شده و آن هم «تواصل» و حفظ ارتباط میان برادران دینی است. این تواصل در هر زمانی از طریقی می‌تواند صورت پذیرد. چنان که قرن‌ها پیش از نزول قرآن که نامه‌نگاری هم در میان بشر مرسوم نبود، تحقق این تواصل تنها با طی مسیر برای ملاقات دیگران حاصل می‌شد.

بنابراین می‌توان گفت در زمان ما که ابزارهایی هم‌چون: تماس تلفنی، ارسال پیامک، ایمیل، چت، و هم‌چنین شبکه‌های مجازی متعددی که توسط گوشی تلفن همراه در دسترس همگان است و با صرف زمان و هزینه بسیار اندک می‌توان حال مومنی را از راه دور جویا شد، این عمل بر یک مومن لازم است.

اگر مطلب فوق را بپذیریم پاسخ دادن به پیامک و ایمیل برادر مومن نیز ضروری خواهد بود. چراکه در روایتی از امام صادق (علیه السلام) چنین نقل شده است:

«رَدُّ جَوَابِ الْكِتَابِ وَاجِبٌ كَوُجُوبِ رَدِّ السَّلَامِ» (همان)؛ «جواب دادن به نامه مانند جواب سلام، واجب است».

۲. مدیریت زمان

قرآن کریم بر استفاده صحیح از عمر و غنیمت شمردن لحظات زندگی و سعی و کوشش مضاعف تأکید می‌ورزد (ر.ک: انشراح/۷؛ فاطر/۳۷؛ نجم/۳۹ و آل عمران/۱۳۳). در روایات نیز هشدارهای فراوانی در این زمینه مشاهده می‌شود (ر.ک: طبرسی، مشکاة الانوار، ۱۳۸۵: ۱۶۹؛ دیلمی، ارشاد القلوب، ۱۴۱۲: ۱/۴۰). در مجموع می‌توان «مدیریت زمان» را یکی از توصیه‌های سبک زندگی قرآنی برشمرد.

در این باره نیز می‌توان بهره فراوانی از تکنولوژی و امکاناتی که در اختیار ما قرار می‌دهد برد و با استفاده صحیح از نتیجه پیشرفت‌های علمی، بهترین استفاده را از زمان برد. تراکنش‌های اینترنتی و مجازی، بهره‌گیری از نسخه صوتی و دیجیتال کتاب‌ها و مطالعه آن در هر فرصت ممکن، استفاده از هواپیما، مترو و سایر وسایل حمل و نقل عمومی و ... مصادیقی از این بهره‌برداری به شمار می‌روند.

۳. تبلیغ مجازی

تبلیغ دین و هدایت دیگران از مسؤولیت‌های مقدسی است که پس از انبیا و جانشینان آنها بر دوش دانشمندان و کارشناسان دینی است و قرآن کریم آنان را بر این ویژگی ستوده است: ﴿الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رَسُولَاتِ اللَّهِ وَيُخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا﴾ (احزاب/۳۹)؛ «(همان) کسانی که پیام‌های خدا را می‌رسانند و از او می‌هراسند، و از هیچ کس جز خدا نمی‌هراسند، و حساب‌گری خدا کافی است».

بدون شک در زمان ما که دشمنان و معاندان اسلام در هجمه بر علیه اسلام از پیشرفته‌ترین ابزارهای ارتباطی و رسانه‌ای بهره می‌برند بر ما نیز لازم است از شبکه‌های مجازی، پایگاه‌های اینترنتی، رسانه‌های صوتی و تصویری، شبکه‌های ماهواره‌ای، و سایر ابزارهای تبلیغاتی به روز و در عین حال مشروع، در تبلیغ دین بهره ببریم.

این مطلب در مواجهه با دشمنان نیز باید مورد توجه قرار گیرد و لازم است با تجهیز نیروهای خودی و بهره‌گیری از آنچه امروز با عنوان «جنگ نرم» از آن یاد می‌شود، با تمام توان از ارزش‌های اسلامی دفاع شود.

۴. مانور سایبری و توانمندی همه جانبه

قرآن کریم ما را به تجهیز قوا و کسب آمادگی همه جانبه در برابر دشمنان دین فرا می خواند: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَبْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾ (انفال/ ۶۰)؛ «و هر چه در توان دارید، از نیرو و از اسب های آماده برای (مقابله با) آن دشمنان، آماده سازید در حالی که بدان دشمن خدا و دشمنتان را بترسانید».

این توصیه در زمان قدیم با تجهیز نیروهای اسب سوار و تهیه شمشیر و نیزه و مانند آن محقق می شد.

اما در زمان ما که ابزار هجوم دشمن ابزار فرهنگی و مجازی است تجهیز به قدرت سایبری و نرم افزاری بر ما لازم است و عمل به آیه به شمار می رود.

در آیه مذکور به ترساندن دشمن و به رخ کشیدن قدرت نیروهای مومن اشاره شده است. بر این اساس می توان با برگزاری مانور نرم افزاری و نمایشگاه هایی در این زمینه دشمن را از قدرت مسلمانان در این عرصه آگاه نمود.

هم چنین در روایات متعددی به والدین توصیه شده است که به فرزندان پسر خود دو مهارت «شنا» و «تیراندازی» بیاموزند:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَاحَةَ وَ الرَّمَايَةَ» (کلینی، کافی، بی تا: ۴۷/۶. در برخی منابع اهل سنت، اسب سواری نیز به این دو افزوده شده است. ر.ک: ابن اثیر، النهایه، ۱۳۶۷: ۴۲۸/۳ (ماده فرس)).

بر این اساس برخی فقهاء فتوا به استحباب آموختن این مهارت ها به فرزندان داده اند (ر.ک: نجفی، جواهر الکلام، ۱۴۱۴: ۴۶۶/۲۲).

اما با تأملی در مقتضیات زمان گذشته و نیازی که هر مسلمان به این گونه مهارت ها داشته است در می یابیم که مراد روایات فوق این نیست که تنها این موارد موضوعیت دارند. بلکه به نظر می رسد ذکر این چند مورد از باب نمونه، و به جهت مجهز شدن فرزندان مومنین بوده است. چرا که آموختن شنا نه تنها اسباب یک تفریح سالم و مفید را فراهم می کند که موجب نجات جان خود و دیگران هنگام خطرهای احتمالی خواهد بود.

تیراندازی و اسب سواری نیز علاوه بر بهره مندی از فواید فوق، قابلیت هایی هستند که در نبرد با دشمنان اسلام بسیار به کار می آیند.

بنابراین می توان با بهره مندی از قاعده «الغاء خصوصیت»، از تیراندازی و شنا عبور کرد و هر مهارتی که ویژگی های فوق را دارا باشد و چنین منافعی را برای فرد و جامعه تأمین کند را مستحب شرعی برشمرد. لذا بر اساس فتوای فقها بر ولی طفل جایز است که از مال او هزینه کند و به او علوم مورد نیاز او در آن زمان را به او بیاموزد (ر.ک: سبزواری، مهذب الأحکام، ۱۴۱۳: ۲۱/ ۱۳۰، مسألة ۱۱؛ امام خمینی، تحریر الوسیله، بی تا: ۱۳/ ۲).

برخی پژوهشگران معاصر نیز به این نکته توجه داشته اند:

«جميع العلوم الذى يحتاج لها المجتمع الإسلامى كانت مورداً لعناية الشارع، و يجب على المسلمين تعليمها كفاية، فينبغى للآباء و المربين أن يعلموا الأطفال علم الأبدان و الصناعات و الاقتصاد و المعاش، و ما يحتاج إليه فى الدفاع عن كيان الإسلام» (انصارى شیرازی، موسوعة أحكام الأطفال و أدلتها، ۱۴۲۹: ۳/ ۴۷۷).

بنابراین ممکن است در آینده ای نزدیک (و حتی شاید در زمان ما) آموختن مهارت هایی هم چون آموزش کامپیوتر، ترفندهای اینترنتی و حک کردن سایت ها، طراحی بازی های کامپیوتری، دانش هسته ای، صنایع پیشرفته نظامی، لیزر، نانو و ... حداقل بر عده ای از افراد، مستحب و حتی در شرایطی واجب (کفایی) شمرده شود.

۵. محکم کاری و بهره وری بالا

قرآن کریم در سوره سبأ، ضمن بیان نعمت ها و معجزاتی که به حضرت داود عنایت کرده، دو توصیه راهبردی به ایشان می نماید:

﴿أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرُ فِي السَّرْدِ﴾ (سبأ/ ۱۰ و ۱۱)؛ «(دستور دادیم) که زره های فراخ بساز، و حلقه های (متناسب) اندازه زن».

ظاهر آن است که این دو سفارش خدا به حضرت داود «(أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ)» و «قَدِّرُ فِي السَّرْدِ» منحصر به ایشان نیست و دو توصیه فراگیر است که کاربرد همگانی دارد و لازم است در ترسیم سبک زندگی قرآنی به آنها بپردازیم.

نخست معنای واژگان این دو عبارت را بررسی می‌کنیم. «سابغات» جمع مؤنث سالم سابع و از ریشه سبغ به معنای وسعت، گستردگی، و کمال یک شیء است (راغب اصفهانی، مفردات؛ لسان العرب و مقایس اللغة، ماده سبغ). «سرد» نیز در لغت به معنای وصل کردن اجزای یک شیء به همدیگر (مانند بافندگی) است (مصطفوی، التحقيق، ۱۳۶۸: ماده سرد).

لذا تعبیر «اعْمَلْ سَابِغَات» توصیه به فراخی حلقه‌های زره است که حضرت داود با دست خود تولید می‌کرد. توصیه به گستردگی و فراخی حلقه‌های زره به این جهت بوده است که بهره‌وری از آن توسط رزمندگان بیشتر باشد و چنان تنگ نباشد که پوشیدن آن کار را بر رزمنده دشوار سازد و احساس سختی و سنگینی نماید. سپس بلافاصله تأکید می‌کند این فراخی بیش از اندازه نباشد که زره کارایی خود را از دست بدهد و مانع ضربات دشمن نشود. بلکه «قَدَّرْ فِي السَّرْد»؛ اندازه متعارف و لازم را در بافتن زره رعایت کن و از هر گونه افراط و تفریطی که کیفیت محصول را پایین می‌آورد در تولید آن دوری کن.

به راستی آیا این دو توصیه، صرفاً خطاب به حضرت داود (علیه السلام) و منحصر به ساخت زره هستند؟

هرگز چنین نیست. بلکه بر اساس آنچه گفته شد، از خصوصیات هم‌چون حضرت داود و زمان ایشان، زره و فاصله حلقه‌های آن، و تناسب زره با نیازی که رزمندگان به آن دارند دست می‌کشیم و «مناطق» آن را استخراج می‌کنیم.

بنابراین دو عبارت مذکور ما را به اصل «رعایت کیفیت و بهره‌وری بالا در تولید» و «لزوم محکم کاری و صحیح کاری» رهنمون می‌شوند که یکی از آموزه‌های مهم اسلام در عرصه کار و تولید است.

یکی از مفسران معاصر به عمومیت خطاب این آیه شریفه توجه داشته و با اشاره به حکم کلی که از آن استنباط می‌شود، می‌نویسد:

«در واقع خداوند به داود دستوری می‌دهد که باید سرمشقی برای همه صنعت‌گران و کارگران با ایمان جهان باشد، دستور محکم کاری و رعایت دقت در کیفیت و کمیت در مصنوعات، آن چنان که مصرف‌کنندگان به خوبی و راحتی بتوانند از آن استفاده کنند، و از استحکام کامل برخوردار باشد» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۸/۳۱).

بدون شک «محکم کاری» و «کیفیت بالا» علاوه بر آن که با اصل انصاف و عدالت و رعایت حقوق بندگان خدا (که از اصول اساسی اخلاق اسلامی هستند) سازگار است، منفعت اقتصادی نیز دارد و موجب جلب مشتری، فروش بیشتر، رونق تولید و کسب و کار خواهد بود. نکته پایانی آن که برخی مفسران احتمال دیگری در معنای «قَدْزُ فِي السَّرْدِ» داده‌اند. فخر رازی احتمال می‌دهد مراد از این جمله، رعایت میانه روی در کسب و کار و بسنده کردن به حداقل ضروری است و از تلاش دنیوی بیش از حد نیاز، منع می‌نماید. وی می‌نویسد:

«يَحْتَمَلُ أَنْ يُقَالَ السَّرْدُ هُوَ عَمَلُ الزَّرْدِ ... وَالْكَسْبُ يَكُونُ بِقَدْرِ الْحَاجَةِ وَبَاقِيَ الْأَيَّامِ وَاللِّيَالِي لِلْعِبَادَةِ فَقَدَرُ فِي ذَلِكَ الْعَمَلِ وَلَا تَشْغَلُ جَمِيعَ أَوْقَاتِكَ بِالْكَسْبِ بَلْ حَصَلَ بِهِ الْقَوْتُ فَحَسَبَ» (فخر الدین رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۱۹۶/۲۵).

بر اساس این احتمال، آیه شریفه ناظر به یکی دیگر از بایسته‌های سبک زندگی، یعنی «مدیریت زمان» و «استفاده صحیح از وقت» خواهد بود که در روایات فراوانی به آن توصیه شده (ر.ک: غرر الحکم، ۱۵۸ و أعلام الدین، ۱۹۰) و از برخی آیات قرآن نیز برداشت می‌شود (مانند: انشراح/۷، نجم/۳۹، آل عمران/۱۳۳ و فاطر/۳۷).

جمع‌بندی

آنچه گذشت اشاره‌ای کوتاه بود به مصادیقی از فرصت‌های پیش روی ما در بهره‌گیری هر چه بهتر از تکنولوژی و ارمغان پیشرفت‌های علمی که ما را در نهادینه کردن سبک و فرهنگ زندگی قرآنی یاری می‌دهد. بدون شک نمونه‌های بسیار دیگری نیز وجود دارد که امید است در پژوهش‌های بعدی مورد توجه قرار گیرد.

ب) پیشرفت علوم و «تهدید»‌های آن برای سبک زندگی قرآنی

چنان که گذشت، سکه پیشرفت علوم و زندگی ماشینی دورو دارد و در صورت بی‌توجهی به آفات و آسیب‌هایی که استفاده ناصحیح از آنها می‌تواند بر زندگی ما وارد کند، ضرر آن بیشتر از نفع آن خواهد بود.

در این بخش به چندین نمونه از آسیب‌ها و تهدیدهای «پیشرفت علوم» در رابطه با سبک زندگی قرآنی اشاره می‌شود:

۱. شایعه‌پراکنی در فضای مجازی

در آیات و روایات فراوانی از هر گونه شایعه پراکنی، سخن چینی و تخریب شخصیت دیگران نهی شده است (ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، ۱۴۱۰: ۱/۱۲۱). از جمله در سوره نور و پس از شرح ماجرای افک، چنین آمده است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَجْبُونَ أَنْ تُشَاعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾ (نور/۱۳)؛ «در حقیقت کسانی که دوست دارند که زشتکاری در میان کسانی که ایمان آوردند، گسترشی آشکار یابد، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی دردناک است».

آیه به دنبال تلاش عده‌ای از منافقان جهت انتشار شایعه‌ای درباره یکی از همسران رسول خدا نازل شد (ر.ک: طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۷/۲۰۴) و طی یک قاعده کلی، هر گونه شایعه پراکنی و انتشار مطالب غیرواقعی را سرزنش کرد و عاملان آن را مستوجب عذاب الهی دانست.

این مسأله در زمان کنونی و با رشد و پیشرفت ابزار ارتباطی مصادیق جدید و آسانی پیدا کرده و به راحتی می‌توان یک شایعه یا خبر چالش برانگیز را به وسیله به اشتراک گذاری در فضاهای مجازی در طیف وسیعی منتشر کرد.

اینجاست که خودمراقبتی و رعایت تقوای الهی باید افراد را از ارتکاب چنین اعمالی حفظ نماید.

۲. اتلاف وقت و هزینه

چنان که گذشت «مدیریت زمان» و بهره‌وری هر چه بیشتر از وقت، جایگاه ویژه‌ای در سبک زندگی اسلامی دارد. قرآن کریم «پرهیز از لغو» را به عنوان یکی از صفات مؤمنان رستگار بر می‌شمارد:

﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾ (مؤمنون/۳۱)؛ «و (مؤمنان) کسانی هستند که از (کار و سخن) بیهوده رویگردانند».

۶۷

لغوراً به هر گونه سخن، عمل و حرکت بیهوده و بی‌نتیجه معنا کرده‌اند. مرحوم مصطفوی می‌نویسد: «(اللغو) ما لا يعتد به و يقع من دون روية و فکر ... و کل باطل أو لهو فهو لغو» (مصطفوی، التحقيق، ۱۳۶۸: ماده لغو).

بر اساس این معنای، هر اقدام بیهوده و بی نتیجه‌ای که انسان بدان مبادرت ورزد و وقت ارزشمند خود را جهت انجام آن ضایع سازد مصداق لغو خواهد بود و پرهیز از آن به حکم آیه مذکور لازم است. این قاعده کلی نیز می‌تواند مصادیق فراوانی در سبک زندگی امروزی ما داشته باشد.

باید توجه داشت که ابزارهای دیجیتالی امروز، در صورتی که در مسیر صحیح آن استفاده نشود، ممکن است تهدیدی برای ائتلاف وقت ما و خصوصاً فرزندان ما باشد که به برخی از مصادیق آن اشاره می‌کنیم:

- زیاده روی در استفاده از بازی‌های رایانه‌ای (بیش از میزان تفریح لازم).
- تماشای طولانی مدت و بی حاصل مسابقات ورزشی.
- تماشای طولانی مدت و بی حاصل فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی.
- وبگردی‌های طولانی و بی حاصل و سرکشی به سایت‌های سرگرمی.
- بدون شک نمونه‌های فراوان دیگری وجود دارد که بر اساس تعریف فوق، از مصادیق لغو به شمار می‌رود و در سبک زندگی قرآنی شایسته است از آنها پرهیز شود.

۳. ممنوعیت هم‌نشینی با اهل باطل و توهین کنندگان به مقدسات

در سوره مبارکه نساء می‌خوانیم:

﴿إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يَكْفُرُ بِهَا وَيَسْتَهْزِئُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلُهُمْ﴾ (نساء/ ۱۴۰)؛ «هر گاه آیات خدا را بشنوید، در حالی که آنها مورد انکار قرار گیرد، و آنها ریشخند شود، پس با آنان منشینید، تا به سخنی غیر آن در آیند، چرا که شما در این هنگام، مثل آنانید».

شان نزول این آیه شریفه در مورد حضور برخی مسلمانان در جمع یهودیان و شرکت در جلسات آنان است.

این آیه (و هم‌چنین آیه ۶۸ سوره نساء) مسلمانان را از شرکت در جلساتی که در آن جلسات به خدا و قرآن و مقدسات اسلام توهین می‌شود نهی می‌کند.

روشن است که این دستور قرآن نه به زمان نزول انحصار دارد و نه به مسلمانان آن عصر و نه به جلسات مشرکان و یهودیان صدر اسلام. بلکه از این دو آیه قاعده کلی «ممنوعیت همداستانی

با کفار و مسخره کنندگان مقدسات» استخراج می‌شود و بر اساس این قاعده کلی، هر مسلمانی موظف است از هر نوع هم‌نشینی و هم‌داستانی با کفار و جلسات آنان خودداری کند. طبیعی است که این قاعده می‌تواند در زمان ما مصادیق جدیدی در حوزه سبک زندگی داشته باشد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- تماشای برخی شبکه‌های ماهواره‌ای موهن و برقراری ارتباط رسانه‌ای با آنها؛
- ورود به برخی سایت‌های موهن و منحرف؛
- شرکت در برخی از گروه‌های منحرف در شبکه‌های مجازی و برقراری ارتباط نوشتاری، صوتی و تصویری با آنان؛
- شرکت در نظرسنجی‌های پیامکی برخی مسابقات موهن که موجب تایید و بالا بردن آمار مخاطبان آنان باشد؛
- حضور در پارتی‌های شبانه و مجالس مختلط.
- شرکت در جلسات زیرزمینی فرقه‌های انحرافی (که غالباً با توهین به مقدسات اسلامی همراه است)؛
- و ده‌ها نمونه دیگر که در زمان ما و در آینده می‌تواند مصادیقی برای این قاعده کلی باشد.

۴. مصادیق نوین اسراف و تجمل

یکی از مؤلفه‌های مهم و بارز سبک زندگی، الگوی مصرف است. الگوی مصرف در هر فرهنگی تعیین کننده نحوه مصرف و کمیت و کیفیت آن است. اما پرسش اینجاست که آیا در سبک زندگی اسلامی معیاری برای اسراف بیان شده است تا مصادیق جدید آن در هر عصر شناخته شوند؟ مصادیق امروزی اسراف چیست و پیشرفت علم چه تأثیری بر این پدیده داشته است؟ قرآن کریم چه تعریفی از اسراف دارد؟ جهت واضح‌تر شدن مسأله لازم است به چند نمونه از مواردی که مشکوک به اسراف است اشاره کنیم تا پس از روشن شدن تعریف اسراف از منظر سبک زندگی قرآنی، دریابیم که آیا این موارد مصداق اسراف هستند یا خیر:

تعویض و تبدیل به احسن کردن خودروی شخصی، با هزینه‌ای بالا که شخص را تا چندین سال زیر قرض دیگران ببرد؛

- تبدیل سرویس مبیل و فرش های مستعمل منزل به مبیل و فرش نو؛
 - تعویض مستمر تلفن همراه؛
 - تعویض تلوزیون معمولی با LCD و سینمای خانگی؛
 - مهیا کردن چندین نوع غذا در مهمانی ها؛
 - شستن خودرو با استفاده از آب تصفیه شده لوله کشی شهری؛
 - استفاده از خودروی شخصی و تک سرنشین جهت نقل و انتقال درون شهری؛
 - جراحی پلاستیک و سایر اقدامات آرایشی و زیبایی.
- این موارد و صدها مورد دیگر که تک تک افراد جامعه در زندگی روزمره خود با آنها درگیر هستند، می طلبد که تعریف روشنی از اسراف ارائه شود تا بتوان به صورت قاطع، موضع اسلام و قرآن را در مورد تک تک آنها بیان کرد و در صورتی که هر یک از آنها مصداق اسراف محسوب می شود، آنان را نهی از منکر کرد.
- اسراف در لغت به معنای گذشتن از حد و زیاده روی کردن در هر چیز است (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة؛ التحقيق و مفردات، ۱۳۶۷: ماده سرف). اما استعمال غالبی آن در زیاده روی در مصرف و بهره برداری است. واژه اسراف (و مشتقات آن) ۲۳ مرتبه در قرآن کریم به کار رفته و علاوه بر معنای مذکور به معنای زیاده روی در پیروی از هوای نفس، زیاده روی در قتل و قصاص، و زیاده روی در سرپیچی از دستورات حق تعالی، و حتی زیاده روی در انفاق و بخشش نیز به کار رفته است.
- واژه قرآنی «تبذیر» نیز معنایی مشابه با اسراف دارد. با این تفاوت که تبذیر به معنای صرف کردن مال در غیر موضع متعارف خود و اسراف به معنای زیاده روی و تجاوز از حد مصرف در همان موضع تعیین شده برای شیء است (ر.ک: طریحی، مجمع البحرین و التحقيق، ۱۳۷۵: ماده بذر).
- در قرآن کریم به معنای رایج و معمول اسراف، یعنی زیاده روی در مصرف مواد خوراکی مستقیماً اشاره شده است:

﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ (اعراف/ ۳۱)؛

در برخی روایات نبوی محدوده روشنی برای میزان مصرف آب جهت غسل و وضو تعیین شده است:

«الْوُضُوءُ بِمُدٍّ وَ الْغُسْلُ بِصَاعٍ وَ سَيَأْتِي أَقْوَامٌ بَعْدِي يَسْتَقِلُّونَ ذَلِكَ أُولَئِكَ عَلَى خِلَافِ سُنَّتِي» (راوندی کاشانی، النوادر (راوندی)، بی تا: ۴۴) «با ده سیر (۷۵۰ گرم) آب می توان وضو، و با سه کیلوگرم آب می توان غسل انجام داد، اما بعد از من افرادی می آیند که این مقدار را کم می شمارند، آنان بر خلاف سنت من عمل کرده اند».

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) چند مورد از مصادیق اسراف در مصرف بیان شده که بسیار قابل توجه است:

«أَدْنَى الْإِسْرَافِ تَوْبُ صَوْنِكَ تَبْتَدِلُهُ وَ فَضْلُ الْإِنَاءِ تُهْرِيقُهُ وَ قَذْفُكَ بِالنَّوَى هَكَذَا وَ هَكَذَا» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹: ۵/۵۱)؛ «پایین ترین مرتبه اسراف این است که لباس رسمی خود را ناچیز بشماری و باقیمانده ظرف را دور بریزی و هسته خرما را دور بیندازی و اینگونه موارد، (همگی اسراف هستند)».

این روایت به زیبایی «حداقل» های اسراف و مصادیق به ظاهر کوچک و پیش پا افتاده آن را بیان می کند که از همین سه مثال می توان ملاک و معیار اسراف بودن یک پدیده را استخراج کرد. خصوصاً آن که تعبیر «هكذا و هكذا» در انتهای روایت، ما را به سمت پیدا کردن مصادیق جدید و تطبیق آنها بر قاعده کلی ممنوعیت اسراف سوق می دهد و تشویق می کند. گویا منظور حضرت آن است که سایر مصادیق را خود شما باید استخراج کنید و ملاک آن را نیز از همین سه مثال دریابید.

به عنوان نمونه شاید بتوان از عبارت «قَذْفُكَ بِالنَّوَى» الغاء خصوصیت کرد و آن را به بازیافت موادی که قابلیت تغذیه دامی دارند، تسری داد.

در عین حال در روایتی از امام رضا (علیه السلام)، معیار صریح و روشن تری برای تشخیص اسراف از غیر آن ارائه شده و تصریح شده است که مانعی ندارد، انسان در حمام سوپ و آرد و سبوس یا آرد خمیر شده با روغن زیتون به بدن، و اجمالاً آنچه برای بدن مفید است اسراف نمی باشد، اسراف در چیزی است که مال را تلف کند و به بدن ضرر زند (طبرسی، مکارم الأخلاق، ۱۳۷۰: ۵۷).

حکم اسراف از منظر قرآن و احادیث روشن است اما موضوع آن در هر زمان باید توسط عرف و شرایط آن زمان و مکان تشخیص داده شود.

به عنوان نمونه اگر کسی یک ظرف آب شب مانده در منزل خود در دست دارد و در شرایط عادی به سر می برد، ریختن این ظرف آب در کنار گیاهان و در کوزه گل اسراف نیست، بلکه پیشگیری از اسراف آبی است که شب تا صبح مانده و برای نوشیدن مناسب نیست. اما همین ظرف آب اگر در شرایط کم آبی یا در وسط بیابان در دست کسی باشد نه تنها ریختن پای گیاه که حتی وضو گرفتن با آن نیز ممنوع است و باید لزوماً جهت رفع تشنگی کسانی که در آن شرایط به سر می برند مصرف شود.

لذا می توان نتیجه گرفت تبدیل منزل و خودرو، تلفن همراه، مبل و فرش، تلویزیون، پرده و سایر لوازم منزل به مدل های بالاتر و گران قیمت تر بدون آنکه ضرورتی داشته باشد و شأن اجتماعی و اقتصادی خانواده اقتضا کند مصداق اسراف است و باید از آن پرهیز نمود. همین که بسیاری از خانواده ها برای تأمین هزینه های چنین اقداماتی مجبور به دریافت وام و قرض کردن مبالغ بالایی از دیگران می شوند، به خوبی ثابت می کند که شأن و جایگاه اجتماعی آنان از نظر عرف آن چنان بالا نیست که نیاز به چنین تغییر و تحولی داشته باشند. بلکه متأسفانه انگیزه این گونه اقدامات معمولاً یا تجمل و رفاه طلبی است و یا تفاخر و به رخ کشیدن و رفع احساس تحقیر.

اینجاست که باید سبک زندگی قرآنی را در تک تک رفتارهای روزمره جامعه دینی نهادینه کرد و جامعه را از تقلید و انحراف در این گونه مسائل بر حذر داشت و فرهنگ استفاده صحیح از تکنولوژی جدید و آورده های آن را به شهروندان و مومنان گوشزد کرد.

۵. خلوت در فضاهای مجازی

قرآن کریم در چندین آیه «رعایت تقوا در خلوت» را گوش زد می کند و مراعات خشیت از حق تعالی را متذکر می شود. از جمله در وصف اهل تقوا می فرماید:

﴿الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِّنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ﴾ (انبیاء/ ۴۸ و ۴۹؛ هم چنین ر.ک. فاطر/ ۱۸ و ملک/ ۱۲)؛ «کسانی که از پروردگارشان در نهان می هراسند، در حالی که آنان از ساعت (رستاخیز) بیمناکند».

در این آیه، رعایت تقوای الهی در خلوت، یکی از ویژگی‌های متقین شمرده شده است. در یکی از حکمت‌های نورانی نهج البلاغه نیز می‌خوانیم:

«اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخُلُوتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ» (صبحی صالح، نهج البلاغه، حکمت ۳۲۴)؛ «از نافرمانی خدا در خلوت‌ها بپرهیزید، زیرا همان که گواه است، داوری خواهد کرد».

هم‌چنین در روایات متعددی نسبت به حضور در خلوت با نامحرم هشدار داده شده و از طرق مختلفی از ابلیس نیز گزارش شده است که به هنگام خلوت دو نامحرم حاضر خواهد شد و زمینه گناه را فراهم خواهد کرد (ر.ک: مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۴: ۶۰/۲۵۱).

نکته قابل تأمل آن است که با توجه به پیشرفت علوم و تکنولوژی که امروز در اختیار ماست، «خلوت با نامحرم» مصادیق جدیدی پیدا کرده و منحصر به حضور دو نفر در یک مکان در بسته نیست. بلکه این قابلیت برای افراد وجود دارد که با وجود کیلومترها فاصله، با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و ضمن مشاهده زنده تصویر یکدیگر، (دور از چشم دیگران) با هم گفت و گو نمایند.

بر این اساس، ممنوعیت خلوت با نامحرم که در روایات فوق آمده، شامل چت کردن با نامحرم (و هر نوع ارتباط مجازی دیگری که در آینده میسر شود و خلوت با نامحرم بر آن صدق کند) نیز می‌شود. چرا که این نیز مصداق جدیدی از خلوت است و تمامی مصالح و مفاسد آن را دارد.

نتیجه

«پیشرفت علوم» فی نفسه پدیده منفی و مخربی نیست و با استفاده صحیح از آن می‌توان ضمن در امان بودن از آسیب‌های احتمالی، آن را به ابزاری در جهت رشد و نهادینه سازی سبک زندگی قرآنی تبدیل کرد.

۷۳

از سوی دیگر قواعد کلی و فراگیر قرآنی در انحصار زمان و مکان و افراد نیستند و با الغاء خصوصیت از آنها می‌توان مصادیق روزآمد را بر اساس پیشرفت علوم طبیعی و نیاز مستمر بشر استخراج کرد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: رضایی اصفهانی، محمد علی و جمعی از فضلاء حوزه و دانشگاه، موسسه فرهنگی دارالذکر، ۱۳۸۳ش.
۲. نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، قم: نشر هجرت، ۱۴۱۴ق.
۳. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش.
۴. ابن فارس، احمد، مقایس اللغه، قم: نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ش.
۵. آذرتاش آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۱ش.
۶. انصاری شیرازی، قدرت الله، موسوعة أحكام الأطفال و أدلتها، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار، ۱۴۲۹ق.
۷. جعفرزاده، محمدحسن، منشور فرهنگ از دیدگاه مقام معظم رهبری، چاپ نهم، تهران: ولأ منتظر، ۱۳۹۳ش.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تفصیل مسائل الشریعه، قم: آل البیت، ۱۴۰۹ق.
۹. خادمیان، طلحه، سبک زندگی و فرهنگ مصرفی، تهران: موسسه جهان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۹۰ش.
۱۰. خمینی، سید روح الله موسوی، تحریر الوسیله، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم، بی تا.
۱۱. خوشنویس، ناهید، مقاله «رسانه و سبک زندگی»، ماهنامه روابط عمومی ایران، شماره ۷۳، سال ۱۳۸۹ش.
۱۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ش.

۱۳. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم: نشر الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم، ۱۴۱۲ق.
۱۵. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، النوادر، قم: دار الکتب، بی تا.
۱۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، قم: انتشارات اسوه، بی تا.
۱۷. سبزواری، سید عبد الأعلى، مهذب الأحکام فی بیان الحلال و الحرام، قم: مؤسسه المنار، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ق.
۱۸. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم: انتشارات شریف رضی، چاپ چهارم، ۱۳۷۰ش.
۱۹. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف: المكتبة الحیدریة، چاپ دوم، ۱۳۸۵ق.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۲۱. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران: نشر مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.
۲۲. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۲۳. فخرالدین رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
۲۴. کاویانی، محمد، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱ش.
۲۵. کریمی، مرتضی، ضوابط استنباط احکام از آیات قرآن در آموزه های معصومین، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۹۲ش.

۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل البيت عليه السلام، بی تا.
۲۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۲۸. مجیدی، شهناز، فرهنگ آکسفورد المئری، تهران: انتشارات محراب دانش، چاپ نهم، ۱۳۸۷ش.
۲۹. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش فلسفه، قم: مؤسسه امام خمینی رحمته الله، چاپ چهارم، ۱۳۹۱ش.
۳۰. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت ارشاد، ۱۳۶۸ش.
۳۱. معرفت، محمد هادی، التفسیر الاثری الجامع، تهران: مؤسسه تقریب، ۱۴۱۵ق.
۳۲. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۳۳. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۸۶ش.
۳۴. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.
۳۵. ورام بن ابی فراس، مجموعة ورام (تنبيه الخواطر)، قم: مکتبه فقیه، ۱۴۱۰ق.